



## بررسی اندیشه‌های سیاسی شعرای عصر مشروطه

### با تأکید بر اشعار سیاسی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار

يعقوب پازنده \*

مسعود مهدیان \* 

ملیحه مهدوی \* 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲

10.22080/RJLS.2022.23805.1325

### چکیده

در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه، ترویج اندیشه‌هایی همچون آزادی، ظلم‌ستیزی، توجه به حقوق مردم، پاسخ‌گویی مسئولان و تأسیس مجلس از مهم‌ترین خواسته‌های گروه‌های مختلف جامعه تلقی می‌گردید. در این میان، شعرای عهد مشروطه با ادبیات سیاسی خود به یکی از مهم‌ترین آبخورهای تهییج مردم، بیداری و تظلم‌خواهی آنان مبدل گردیدند. نویسندگان در این مقاله تلاش کرده‌اند تا با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی، اندیشه‌های سیاسی اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار را بررسی و تحلیل نمایند. فرضیه‌ای که نویسندگان به‌بوته‌ی آزمایش گذارده‌اند، تأکیدی است بر این مسأله که مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر وحید، وطن‌دوستی است؛ مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر بهار، انتقاد از وضع کلی اجتماع است و در نهایت این که مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر ادیب، پند و اندرز به حاکمان همراه با انتقاد است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که کانون اندیشه‌های سیاسی این سه شاعر حول شش محور وطن، مشروطیت و مجلس، استبدادستیزی، نفی استعمار، آزادی و عدالت می‌چرخد.

**کلیدواژه‌ها:** اشعار سیاسی، اندیشه‌های سیاسی، عصر مشروطه، ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی، ملک‌الشعراى بهار.

\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. رایانامه:

pazandeh.2023@gmail.com

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)، رایانامه:

mahdiyan@aliabadiau.ac.ir

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. رایانامه:

ma.mahdavi2@yahoo.com



## ۱- مقدمه

جنبش مشروطه علاوه بر تأثیر بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در زمینه‌ی ادبی نیز انعکاس گسترده‌ای یافت، به گونه‌ای که بسیاری از شاعران و نویسندگان به صف آزادی‌خواهی گرویدند و با زبان و قلم خود به نبرد با اوضاع نابسامان زمانه برخاستند. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۲) این نبرد زبانی و قلمی به صورت متمرکز و پیوسته در مطبوعات و مجلات آن دوره، نفوذ چشمگیری یافت. شاعران عصر مشروطه هم به این دلیل که خود جزئی از مردم بودند و در متن جامعه درگیر همان مسائلی بودند که مردم با آن‌ها سروکار داشتند و همچنین از این نظر که در قبال سرنوشت کشور و هم‌وطنانشان احساس وظیفه داشتند، وارد عرصه‌ی تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی شدند. (محقق و عباسی، ۱۳۹۹: ۳۰۲) در اهمیت شعر عصر مشروطه بایست اذعان داشت که شعر بیش از هر ابزار فرهنگی با نهضت مشروطیت همراهی و همگامی کرد. در این عصر بسیاری از شاعران با زبان مردم و از خواسته‌های مردم سخن می‌گویند. (رضایی بوگی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹۳) شعر، ابزار بیان آرمان‌ها و خواسته‌های مردم می‌شود. بنابراین می‌توان اذعان داشت که شعر مشروطیت برای ترویج و نشر، بیشتر از همه از مطبوعات و نشریاتی که در آن دوره منتشر می‌شد، سود می‌جست که از طریق چاپ در روزنامه‌ها و جراید در دسترس عموم مردم قرار می‌گرفت و از آنجا که با سرعت بسیار در حوزه‌ای وسیع منتشر می‌شد، تأثیر آن بسیار ژرف و عمیق و در بین طبقات مختلف مردم چشمگیر بود. (محقق و عباسی، ۱۴۰۰: ۱۵۵)

ضرورت بررسی این موضوع را می‌توان محتوای غالب و رایج ادبیات و اشعار شعرای مشروطه دانست. با بررسی و تدقیق در متون ادبی این عهد می‌توان مضامین سیاسی، فرهنگی و اخلاقی متفاوتی را مشاهده نمود. ادبیات این دوره، چه از حیث محتوا و چه از لحاظ بیان، ویژگی‌هایی پیدا کرد که در دوران گذشته، خبری از آن نبود. این نوآوری همراه با مایه‌های سیاسی و اجتماعی در جلوه‌ای از اندیشه‌های ملی و میهنی نمودار گردید و در نتیجه باب نوگرایی، تحت تأثیر سیاست زمان، با مضامین ادبی این دوره در آمیخت. در این دوره، واژه‌های سیاسی و ملی به صراحت وارد نظم و نثر می‌شود و از این طریق در اندیشه‌های مردم رسوخ پیدا می‌کند. در نتیجه آرمان‌ها و اندیشه‌های مردمی در قالب شعر و ادب و نویسندگی در عرصه‌ی سیاست و جامعه، نمودی تازه پیدا کردند. از جمله اندیشمندان، شاعران و نویسندگان این عهد، ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرای بهار بودند که با آثارشان باعث پیدایش یا گسترش افکار مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی در بین مردم گردیدند. (وفایی و عارف، ۱۳۹۷: ۳۶۱)

با این مقدمات اجمالی، مقاله‌ی کنونی جستاری است در بررسی اندیشه‌های سیاسی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار. به همین سبب، پرسش اصلی مقاله‌ی کنونی عبارت است از: «اندیشه‌های سیاسی ادیب‌الممالک، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار نسبت به مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی در اشعارشان، چه نمودی داشته است؟» فرضیه‌ای که نویسندگان به بوته‌ی آزمایش گذارده‌اند، تأکیدی است بر این مسأله که مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر وحید، وطن‌دوستی است؛ مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر بهار، انتقاد از وضع کلی اجتماع است و در نهایت این که مهم‌ترین مؤلفه‌ی سیاسی شعر ادیب، پند و اندرز به حاکمان همراه با انتقاد است.

### ۱- بیان مسأله

در عصر مشروطه و بعد از آن با بیداری بسیاری از مردم از جمله شاعران و نویسندگان مؤلفه‌هایی همچون حُبّ وطن، انتقاد و مبارزه با حاکمان بیدادگر و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی کشور، دفاع از حقوق مردم و بیان دردها و آرزوهای آنها، بیگانه‌ستیزی و مبارزه با استعمارگران و مداخله‌گران، ترویج اندیشه‌ی آزادی و آزادی‌خواهی و ... در شعر شاعران به وفور جان می‌گیرد و شاعران برای آگاهی‌بخشی مردم با زبانی ساده به بیداری آنها پرداخته‌اند. در این راستا، ذهن آینه‌سان هنرمندان به خوبی تمام می‌تواند مسائل و معضلات جامعه را نشان دهد و مخاطب هم در کنار التذاذ هنری از زبان و بیان ادبی با بینش و غور و تعمق در این آثار به شناخت کامل موضوعات بازتاب یافته در هنر می‌رسد. انقلاب مشروطیت در تاریخ ایران بعد از اسلام از مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی و سیاسی است که ادبیات را در گذر تاریخی خود، دستخوش تحوّل نموده است. در این راستا، شعر فارسی به تبعیت رخدادهای سیاسی - اجتماعی زمانه از مدیحه‌های مکرر بازگشت ادبی به شعری تبدیل شد که در خدمت مطالبات اجتماعی قرار گرفت و مضامینی همچون آزادی، ناسیونالیسم (ملت‌باوری)، زن و حجاب، تجدد و مدنیت غربی و انتقاد از نظام استبدادی و استعماری شالوده‌ی اندیشه‌های سیاسی - ادبی شاعران شد. بررسی و تحلیل چنین مفاهیمی در دیوان اشعار شاعران مشروطه‌خواه این دوره و بازتاب درونمایه‌های متفاوت، هدف این پژوهش بوده است. ادبیات این دوره چه از حیث محتوا و چه از لحاظ بیان، ویژگی‌هایی پیدا کرد که در دوران گذشته، خبری از آن نبود. این نوآوری همراه با مایه‌های سیاسی و اجتماعی در جلوه‌ای از اندیشه‌های ملی و میهنی نمودار گردید و در نتیجه باب نوگرایی، تحت تأثیر سیاست زمان با مضامین ادبی این دوره درآمیخت. در این دوره، واژه‌های سیاسی و ملی به صراحت وارد نظم و نثر می‌شوند و از این

طریق در اندیشه‌های مردم رسوخ پیدا می‌کنند. در نتیجه، آرمان‌ها و اندیشه‌های مردمی در قالب شعر و ادب و نویسندگی در عرصه‌ی سیاست و جامعه، نمودی تازه پیدا کردند. از جمله اندیشمندان، شاعران و نویسندگان این عهد، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، میرزای نائینی، ادیب الممالک فراهانی (متخلص به امیری)، ملک‌الشعرای بهار، فرّخی یزدی (شاعر آزادی و عدالت)، علی‌اکبر دهخدا با آثارشان باعث پیدایش یا گسترش افکار مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی در بین مردم گردیدند.

## ۲- پرسش‌های پژوهش:

- ۱- ادیب الممالک، اوضاع سیاسی و اجتماعی را در شعر خود چگونه تشریح کرده است؟
- ۲- مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی در شعر وحید دستگردی چه نمودی داشته است؟
- ۳- ملک‌الشعرای بهار مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی در شعر را چگونه بیان کرده است؟
- ۴- ادیب الممالک برای ارائه مفاهیم و مضامین سیاسی دوره‌ی خود از چه مسأله‌ای بهره گرفته است؟
- ۵- وحید دستگردی برای ارائه مفاهیم و مضامین سیاسی دوره‌ی خود، از چه ویژگی بهره گرفته است؟
- ۶- بهار برای ارائه مفاهیم و مضامین سیاسی دوره‌ی خود از چه عنصری بهره گرفته است؟

## ۳- روش پژوهش:

از آنجا که از مهم‌ترین روش‌ها برای گردآوری اطلاعات لازم در تحقیقات علوم انسانی، روش کتابخانه‌ای است، در این پژوهش نیز سعی بر آن شده است از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شود. برای انجام این کار ابتدا اطلاعات لازم از کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع مورد نظر از طریق سوال نمودن از استادان و صاحب‌نظران و مراجعه به کتاب‌های فهرست که منابع مورد نیاز هر پژوهشی را معرفی می‌کند، جمع‌آوری شده است. شایان ذکر است در هنگام مطالعه و یادداشت‌برداری، چارچوب طرح تحقیق همواره در نظر بوده است و عناوین اصلی و فرعی کار و رئوس مطالبی که قبلاً تهیه شده است، مدّ نظر بوده و با دقّت و نکته‌سنجی، تنها مطالبی که با موضوع ارتباط داشته، یادداشت شد. البته یادداشت‌برداری محدود به نوشتن مطالب نبوده است و گاه بخشی از اندیشه‌ها و دریافت‌های نگارندگان نیز در مراحل مختلف کار یادداشت شده است. پس از مطالعه هر کدام آن‌ها، اطلاعات مفید و لازم را که با موضوع تحقیق مرتبط بودند، استخراج گردید و در فیش‌های جداگانه‌ای ثبت شد تا در جمع‌بندی مطالب به راحتی از آن‌ها استفاده‌ی لازم به عمل آید. برای سهولت کار هر مطلب زیر عنوان خاص و جداگانه گردآوری شده است. تحلیل حاضر دارای سه سطح مفهومی، گزاره‌ای و

ساختاری است. در سطح تحلیل مفهومی درباره‌ی واژه‌ها و اصطلاحات بحث شده است و تلاش شده تا از معنی واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به پژوهش ابهام‌زدایی شود. در سطح گزاره‌ای نیز معنای جمله و کل شعر بحث شده است؛ زیرا در بسیاری از موارد تحلیل مفهومی تک‌تک واژه‌ها در متن، ما را به معنای آن جمله نمی‌رساند؛ بلکه عوامل دیگر مثل نحوه‌ی چینش کلمات و متنی که جمله در آن قرار دارد در معنای آن، اثرگذار است. در تحلیل ساختاری نیز سعی شده است به رابطه‌ی مجموعه‌ی این عناصر محتوایی شکل‌دهنده‌ی اثر در کنار هم توجه شود و نظام یا مجموعه‌ی این اندیشه‌های سیاسی که سخن در آن قرار گرفته است، مورد کاوش قرار گیرد. بدین ترتیب سعی شده است در این جستار هرچه از سطح تحلیل مفهومی به سطح تحلیل ساختاری نزدیک‌تر شویم و به لایه‌های عمیق اندیشه‌های سیاسی در خوانش شعر دست یابیم.

۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش:

- رادینا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر انقلاب مشروطه بر اشعار نسیم شمال و ملک‌الشعراى بهار» اذعان داشت که اشعار این دو بازتاب‌دهنده‌ی بسیاری از مفاهیم جدید است که طی انقلاب مطرح و به خواسته‌های عمومی تبدیل شدند. همچنین تاکنون شعر این دو شاعر به شکل تطبیقی بررسی نشده و نقاط اشتراک و افتراق اندیشه و شعرشان تجزیه و تحلیل نشده است. در گردآوری داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای عمل شده، بسامد آماری آن‌ها مورد توجه قرار گرفته، سپس این داده‌ها به محک و سنجش توصیف و تحلیل درآمد.

- آژند (۱۳۶۳) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های نوزایی ادبی در دوران مشروطه» معتقد است که برخورد اقتصادی و فرهنگی با غرب که از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم میلادی به شدت و به‌طور گسترده رو به فزونی گذاشت، یکی از عوامل اصلی ممالک مشرق‌زمین و از جمله ایران در گذر از حیات سنتی به حیات نوین خود بود. ادبیات نیز تحت تأثیر این جریان قرار گرفت. دانش زبان و ادبیات اروپایی، تعلیم و تربیت غربی و هم‌پای آن ایجاد امکانات در زمینه‌ی فناوری، علوم طبیعی و علوم اجتماعی و بازتاب همه‌ی این‌ها در زندگی روزمره، برای ادبیات ایران جریانی بود که در سایه‌ی آن، آوار حقایقی که برای چندین هزار سال پذیرفته شده بود، فرو ریخت و نظم جدید اجتماعی به‌صورت آنچه امروز هست، یعنی یک «نظم فی‌مابین» ظاهر شد. گرایش انتقادی نسبت به واقعیت ملی هرچه بیشتر گسترش یافت و نارسایی نوعی هویت بنیادی را برملا می‌ساخت. این گرایش، علل و عوامل نارسایی‌ها را بررسی و روش‌های از

میان برداشتن آن‌ها را تجربه می‌کرد. این‌ها قالب‌های جریان اصلی ادبیات آن دوره بود؛ یعنی ادبیاتی پرخاشگر و ستیزگر که توده‌های وسیعی از مردم را به قصد آموزش و آگاهی از عقب‌ماندگی و بی‌ارادگی‌شان مخاطب قرار می‌داد.

شفیعی کدکنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحوّلات ادبیات فارسی از انقلاب مشروطه تا انقلاب بهمن» معتقد است که شعر فارسی، قرن‌های متمادی از زندگی قهر کرده بود و همه‌ی کوشش‌هایی که شاعران عهد صفوی برای ایجاد تحوّل و اصلاح و به تعبیر خودشان برای ایجاد «حالت جدید» در آن انجام می‌دادند، چیزی جز تحوّل در ظاهر بیان شعری و صور خیال شعری نبود. ولی شعر مشروطیت تا آن اندازه محتوا و گستره‌ی احساسی شعر فارسی را دگرگون کرد که می‌توان گفت همه پیوندش را با گذشته گسست. مهم‌ترین این تمایزها در حوزه‌های تفکر و محتوا، زبان شعر، تخیل، شکل و ترکیب شعر بود.

- میرعلی حسن‌زاده و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر شعر شاعران دوره‌ی مشروطه با تمرکز بر اشعار ایرج میرزا و فرّخی یزدی» معتقدند که دیدگاه‌های ایرج میرزا و فرّخی یزدی در حوزه‌های نقد سنت‌های دینی و نقد اجتماعی، آزادی، وطن‌پرستی، استعمارستیزی، استبدادستیزی، دعوت به مبارزه و تجمل‌گرایی با یکدیگر متفاوت است.

- ذبیح‌نیا عمران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد اعتراضی سیاسی فرّخی یزدی و تفکرات انتقادی استبدادستیزانه او در عصر مشروطه» معتقد است که برخلاف سایر ادوار سیاسی ایران، درد غالب و مطرح در دوران مشروطه، درد مردم، سیاست‌های غلط حاکم بر جامعه و ظلم حاکمان است و توجّه و اقبال مردم به او و شعرش نیز ریشه در همین دیدگاه اجتماعی وی دارد.

- شفیعی قهفرخی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «درون‌مایه‌های سیاسی آثار ادیب‌الممالک فراهانی» معتقدند که ادیب‌الممالک فراهانی، یکی از ادیبان بزرگ آن دوران بوده و در کنار دیگران و با اثرپذیری از حوادث و افکار زمانه‌اش، دوره‌ی جدیدی از ادبیات سیاسی فارسی را رقم زده است. در نهایت نویسندگان در راستای تبیین صبغه‌ی سیاسی افکار ادیب به بررسی مسائلی همچون تجدّدخواهی، عدالت، ناسیونالیسم و وطن‌پرستی، آزادی‌خواهی و قانون‌مداری، وحدت، اخلاق و سیاست و نیز آگاهی‌بخشی برای پیشرفت در آثار وی پرداختند.

نوآوری مقاله‌ی کنونی را می‌توان از این حیث مورد مذاقّه قرار داد که درباره‌ی این سه شاعر (ادیب، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا) به گونه‌ای مجزاً با این مؤلفه یعنی «بازتاب اندیشه‌های سیاسی در شعر»

تحقیقاتی صورت نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر، مقاله‌ای نوین به شمار می‌رود که با روش توصیف و تحلیل به بررسی اندیشه‌های سیاسی ادیب، وحید و بهار می‌پردازد.

## ۲- چارچوب مفهومی

### ۲-۱- اندیشه‌های سیاسی اشعار در عصر مشروطه

جنبش مشروطه، یکی از جنبش‌های اثرگذار و مهم سیاسی در تاریخ معاصر ایران است که حوزه‌های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داد. دامنه‌ی این تحولات وسیع و عمیق، در حوزه‌های ادبی نیز مشاهده گردید، به نحوی که طرز تحریر و شیوه‌ی شعر را تغییر داد. (موسی‌آبادی و فخر اسلام، ۱۳۹۸: ۱۵۸) درباره‌ی محتوای مشروطه باید گفت هر آن چیزی که برای طبقه‌ی بورژوازی انقلابی مطرح است، محتوای این ادبیات را تشکیل می‌دهد. این محتوا در همه‌ی زمینه‌ها، رنگ بورژوازی دارد؛ از نظام‌های حکومتی گرفته تا اخلاق و فلسفه‌های انسانی و سایر وجوه مناسبت‌های اجتماعی، وطن و ناسیونالیسم، ترقی و دانش‌پژوهی، مساوات و برابری، قانون‌خواهی و قیام ضد ستم، آزادی و دموکراسی اجتماعی. این‌ها همه مضامین جاری این ادبیات بودند. از موضوعات تازه‌ای که وارد اندیشه‌ی مشروطه و مشروطه‌خواهان شد، افکار آزادی‌خواهانه و عقاید اجتماعی و سیاسی و فکر تساوی حقوق سیاسی و مسأله‌ی آزادی افکار و حریت مطبوعات و احساس‌های وطن‌پرستانه است که در نظم و نثر، جلوه‌ی خاصی نمود و شعرای توانا و نویسندگان قابل‌ظهوری را به جامعه عرضه کرده است. (فولادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۴) به طور کلی، مهم‌ترین مضامین شعر فارسی در عصر مشروطه، «آزادی، وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، توجه به علوم و فنون جدید و توجه به مردم» است. از طرفی، ویژگی‌های عصر مشروطه نیز شامل موارد زیر است:

- ۱- عمومیت یافتن اندیشه‌های سیاسی که به‌عنوان زبان برنده نهضت در اختیار مطبوعات قرار گرفت.
- ۲- جهان‌شناسی شاعران: نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون دگرگون شد.
- ۳- تخیل و قالب سیاسی در عرصه‌ی بیداری، کم و بیش بی‌تغییر باقی مانده است. نمونه‌ی بارز آن، «سه تابلو مریم» (ایده‌آل) میرزاده عشقی است.
- ۴- از نظر ساخت فنی، اندیشه‌های سیاسی عصر مشروطه، دو مسیر مجزا را در پیش گرفت. گروهی مانند ادیب‌الممالک فراهانی و محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) به سبکی سنتی پایبند بودند و اشعار خود را

طبق سنت‌های ادبی می‌سرودند. گروهی دیگر مانند میرزاده عشقی، نسیم شمال و عارف قزوینی که با موازین گذشته انس چندانی نداشتند، زبان کوچه و بازار را برگزیدند.

۵- تغییر در مضامین و محتوا: در عصر مشروطه نه تنها روزگار مدیحه‌سرایی و توصیف پدیده‌های طبیعی سر آمده بود، بلکه اندیشمندان به اشعار سیاسی - اجتماعی روی آوردند، به نحوی که با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی و ظهور اندیشمندانی همچون بهار، ادیب، دهخدا و دیگران و توجه به مقتضیات ویژه‌ی آن زمان، آنان را به سوی اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی سوق داد. در نتیجه عشق به وطن، آزادی و... قسمت عمده‌ی ادبیات این دوره را در بر گرفت و بخش عمده‌ی اشعار این دوره، اشعار اجتماعی - سیاسی بود که به تبع انقلاب مشروطه شکل گرفت. (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۳)

۲-۲- شرح مختصری از سه شاعر بزرگ عصر مشروطه (ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار)

ادیب‌الممالک فراهانی: میرزا محمدصادق امیری متخلص به محیط، برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، وزیر معروف محمدشاه قاجار، صاحب دیوان و منشآت در سال ۱۲۳۹ شمسی در اراک متولد شد. ادیب بعد از انقلاب مشروطیت قدم به سلک روزنامه‌نگاری نهاده، مردی آزادی‌خواه و متجدد است. طلوع انقلاب را می‌ستاید؛ از گشایش مجلس استقبال و از اصول قدیمی انتقاد می‌کند و می‌کوشد افکار وطن‌پرستی را در ملت رسوخ دهد و با شعور و احساسات از وضع رقت‌بار دهقانان ایران سخن گوید. برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارتند از دیوان کامل میرزا صادق‌خان امیری ادیب‌الممالک فراهانی قائم‌مقامی، پیوسته فرهنگ به اسلوب نصاب‌الصیبیان، مقدمه‌ی گوهر خاوری و دیوان اشعار و فرموده حضرت نظرعلی جناب.

وحید دستگردی: حسن وحیدی دستگردی متخلص به «وحید» در سال ۱۲۵۸ شمسی در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۲۸۴ که مشروطیت آغاز شد، به آزادی‌خواهان پیوست و تحریر مقالات سیاسی و ادبی و اجتماعی چهار روزنامه‌ی اصفهان یعنی پروانه، زاینده‌رود، درفش کاویان و مفتش ایران را به عهده گرفت. وحید بعد از پایان جنگ جهانی اول و بیرون رفتن قوای بیگانه از کشور به تهران آمد و دست به فعالیت‌های ادبی زد و در سال ۱۲۹۹، «انجمن ادبی ایران» و در اواخر سال ۱۳۱۶ شمسی، انجمن دیگری به نام انجمن ادبی «حکیم نظامی» را تأسیس کرد. در همین انجمن بود که برخی از آثار استادان سخن را تصحیح و تحشیه و چاپ کرد و نشر «مجله‌ی ارمغان» را سال‌ها ادامه داد.



ملک‌الشعراى بهار: میرزا محمدتقی متخلص به بهار در سال ۱۲۶۵ در مشهد به دنیا آمد و پس از مرگ پدرش و به فرمان مظفرالدین شاه، لقب ملک‌الشعراىی به او رسید. پس از مرگ مظفرالدین شاه، وی در ارتباط تنگاتنگی با انجمن «سعادت» که از مبارزان استبداد محمدعلی شاه بودند، قرار گرفت و در دوره‌ای که به نام «استبداد صغیر» شناخته شده، «روزنامه‌ی خراسان» را چاپ کرد و به اسم «رئیس الطلاب» انتشار داد و نخستین اشعار ملی خود را در آن منتشر ساخت. بهار در دوره‌ی پانزدهم از تهران انتخاب شد و به مجلس رفت و ریاست فراکسیون دموکرات را به عهده گرفت. وی در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ شمسی درگذشت.

### ۳- تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش سعی شده اندیشه‌های سیاسی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار و مهم‌ترین مضامین و مفاهیم مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۳-۱- وطن و وطن‌خواهی

وطن از مهم‌ترین موضوعات شعر سیاسی - اجتماعی عصر مشروطه است. مفهوم وطن در این دوره بیشتر در دو معنی تجلی می‌یابد: ۱- در مفهوم جدید که متأثر از اندیشه‌های غربی است و در ایران با عنوان میهن و میهن‌پرستی بازتاب یافته است. ۲- در معنی اُمّت اسلامی که سخن از تمامی مسلمانان جهان است و با عرق اسلامی همراه است.

#### ۳-۱-۱- ادیب، وطن‌خواهی و نکوهش وطن‌فروشان

از نظر ادیب، حفظ وطن از واجبات است:

دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق فرض است، آنچنان که طهارت صلوات را

(ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۱۱)

او معتقد است که انسان باید عرق ملی داشته باشد و وطن را رها نکند:

مرد را گر بُرند بنند از بند نتواند دل از وطن برکند

خانه‌ی دوست در کف دشمن ندهد هیچ مرد غیرتمند

(ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۵۵۹)

از طرفی دیگر، ادیب در بین صاحبان قدرت، کسانی را می‌بیند که موجب بر باد دادن ایران می‌شوند؛

وطن‌فروشانى که به جای منافع ملی به فکر منافع شخصی‌اند:

آخر ای ایرانیان ای مردمان باشرف چه رو دادید این سان ملک ایران را ز کف؟  
چه بُد معلوم از اول کان بهایم سیرتان صورتی بودند و بُد مقصودشان آب و علف  
(همان: ۳۱۵)

۳-۱-۲- وحید دستگردی، وطن خواهی و نکوهش وطن فروشان

وحید دستگردی به قصد برانگیختن مردم به دفاع از دین و میهن، نه ترکیب‌بند وطنی پیوسته ساخته است. در آغاز نخستین ترکیب‌بند آمده است:

دوستان ناله و افغان وطن گوش کنید شرح احوال پریشان وطن گوش کنید  
(دستگردی، ۱۳۷۴: ۵۲۰)

حس ملی چه شد و همّت ایرانی کو؟ غیرت دین به کجا رفت و مسلمانی کو؟  
(همان: ۵۲۲)

وی نیز بسان ادیب در نفی و نقد وطن‌فروشی از وطن‌فروشان و از دست دادن خاک ایران می‌نالند و می‌گوید:

فروخت یوسف ایران زمین به درهم بَخس بین چه داد و چه‌ها این وطن فروش گرفت!  
(همان: ۳۸۲)

در غزل «عامل شر» از افرادی می‌نالند که خودی هستند و ظاهری موجه دارند، اما در باطن دشمن ایران‌اند:

اگر به صورتِ ظاهر، وجیه و مقبول‌اند بس آدمی که به معنی دغل‌تر از غول‌اند  
ز دین و کشور و ناموس و مردمی و وفا گذشته‌اند و دوان هر طرف پی‌پول‌اند...  
(همان: ۴۰۹)

۳-۱-۳- بهار، وطن خواهی و نکوهش وطن‌فروشان

از نظر بهار، تلاش در راه وطن و داشتن عرق ملی، مشکل‌گشای وطن است. از این رو وظیفه‌ی خود می‌داند تا مردم را آگاه کند که وطن در معرض چه خطرات بزرگی است:

خانه‌ات یکسره ویران شده ای ایرانی مسکن لشکر بیگانه شد ای ایرانی  
عهد غیرت مَشکن عهدشکن در خطر است ای وطن خواهان، زنه‌ار! وطن در خطر است...  
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

بهار هم به شیوه‌ی وحید در ترکیب‌بند نه‌گانه، از زبان مام وطن سخن می‌گوید و توقع دارد که فرزندان ایرانی از وطن دفاع کنند:

پیام مام جگرخسته را ز جان بشنو      که پند موعظه‌ات با صد اهتمام دهد  
ز چشم مام وطن خون چکد بر این آفاق      که سرخی شفقتش جلوه صبح و شام دهد  
(همان: ۴۴۵-۴۴۶)

بهار رهایی از معضلات سیاسی را در ظهور فردی قدرتمند و تشکیل «حزبی شریف و پاک» می‌داند:  
کجاست مرد که شمشیر دادخواهی را      ز قلب ظالم بیدادگر نیام دهد؟  
به جهد، پایه‌ی حزبی شریف و پاک نهد      به مشت، پاسخ مشت‌ی فضول و خام دهد...  
(همان)

بهار هم همچون دو شاعر یادشده (ادیب و وحید دستگردی) از سیاست وطن‌فروشان به شدت ابراز نارضایتی کرده است، این‌گونه ابراز می‌دارد که چه شد که وطن‌خواهان عهد خود شکستند! و به جای این که فکر وطن باشند، به فکر حفظ منافع شخصی‌اند:

ما نگفتیم در اوّل که نجوییم نفاق؟      یا بر آن عهد نبودیم که سازیم وفاق؟  
به کجا رفت پس آن عهد و چه شد آن میثاق؟      چه شد اکنون که شما را همه برگشت مذاق؟  
(همان: ۱۶۷)

### ۳-۲- مشروطیت و مجلس شورای ملی

مشروطیت، مجموعه‌ای از ایده‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری شرح و بسط‌دهنده‌ی این اصل است که اقتدار حکومت برخاسته از قانون و محدود به مجموعه‌ای از قانون‌های بنیادین است. بنابراین سازمان‌های سیاسی، مشروطه‌اند مادامی که دارای سازوکارهای نهادینه‌شده مهار قدرت برای پاسداری از منافع و آزادی‌های شهروندان باشند. جنبش مشروطه‌خواهی یا جنبش مشروطیت نیز مجموعه‌ی کوشش‌ها و رویدادهایی در نظر و عمل است که برای محدود شدن اختیارات پادشاه در نظام سلطنتی ایران و نهادینه‌سازی حقوق اساسی مانند آزادی فردی، عدالت قضایی و حاکمیت قانون آغاز شد و به تغییر نظام سیاسی ایران از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه منجر گردید.

### ۳-۲-۱- ادیب‌الممالک، مشروطه و مجلس

ادیب در مسمطی، ویژگی‌های مهم مشروطیت را بدین‌گونه بیان می‌کند:

- **حق‌طلبی:** «سال نهمین است که این ملت بیدار/ با خون خود آمد به حق خویش خریدار»
- **عدالت‌خواهی:** «شد نور عدالت ز پس پرده پدیدار/ پوشید به تن خلعت نو سرو و سپیدار»
- **ظلم‌ستیزی:** «آورد دبیر فلکی لوح و قلم را/ بسترد ز دیوان قضا نام ستم را»
- **خردورزی:** «از پرتو نور خرد عاقبت اندیش/ افروخته شد نور به کاشانه‌ی درویش»
- **مقاومت:** «آنان که ززند از پی دلجویی او گام/ خون جگر و دل را چون باده گسارند»
- **جانفشانی:** «زد شاهد مشروطه صلا از پی دیدار/ تا در قدمش جان گرامی بسپارند» (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۵۳۹-۵۳۸)

ادیب بر این باور است که تا مجلس برپاست، در این سرزمین هیچ‌کس حتی غُربا، غمی ندارند. با بودن مجلس و قانون، بساط ظلم برچیده می‌شود و همه از عدالت مظفرالدین‌شاه برخوردار خواهند شد: تا تو برپایی در این کشور نرنجد آشنا تا تو بر جایی در این سامان نفرساید غریب کس نباشد زین سپس از جور دیوان در شکنج تا تو بر جایی در این سامان نفرساید غریب... (همان: ۵۳-۵۴)

### ۳-۲-۲- وحید دستگردی، مشروطه و مجلس

وحید نیز مانند ادیب‌الممالک از وزرا و وکلای ناکارآمد می‌نالده؛ آن‌هایی که مملکت و ملت را به ورطه‌ی نابودی و عذاب انداخته‌اند؛ افراد خیانت‌پیشه‌ای که موجب شدند کشور زیر سم اسبان بیگانه ویران گردد:

از وزیر افزوده شد در مملکت وزر و وبال وز وکیل افتاد ملت در عذاب و در نکال...

(دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۵)

### ۳-۲-۳- ملک‌الشعرا بهار، مشروطه و مجلس

بهار هم می‌بیند که به جای وکلای مشهور ادوار گذشته، کسانی بر کرسی‌های مجلس تکیه زدند که وجهه‌ی ملی آنان مورد تردید بود. او می‌داند که افرادی بی‌لیاقت را با رشوه و خرید آرا، به مجلس رسانده‌اند. از «دولت» هم انتقاد می‌کند. انگار دولت هم با مجلس همدستی می‌کند تا کشور را به سمت ویرانی ببرد:

همه پستی و دنائت، همه نادانی و جهل  
 همه تزویر و تقلب، همه تقصیر و قصور  
 به جز از نفع ندارند ز هستی مقصود  
 به جز از پول ندارند به گیتی منظور...  
 شهر مخروبه و مخروبه‌ی ایشان آباد  
 ملک ویرانه و ویرانه‌ی ایشان معمور

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۷۱)

وی در قصیده‌ی نمادین «غوک‌نامه» که توصیف برکه‌ای پر از قورباغه است، تمرکز بر «سر و صدای» بی‌فایده و آزاردهنده‌ی قورباغه‌ها دارد و از آن به شدت در رنج است. او در این شعر با زبان و بیانی نمادین، حرف‌های سیاسی و اجتماعی‌اش را بیان می‌کند. مثل شعر دماوندیه که در آن هم از استعاره‌ها و نمادها بهره گرفته و فریاد عدالت و ظلم‌ستیزی را سرداده است:

بس کن از این مکابره‌ای غوک ژاژخا  
 خامش، گرت هزار عروسی است و ر عزا...  
 کاین بر که جایگاه فساد است و نام اوست  
 بنگاه فسق و جای زنا، مرکز شفا  
 دار فریب و خانه‌ی جور و سرای کفر  
 بنگاه جهل و حوزه‌ی کذب و دریا

(همان: ۴۲۶ و ۴۲۸)

این برکه، همان مجلس است که در زبان رمزناک بهار این گونه معرفی شده است. در شعر «هرج و مرج» هم از نمایندگان نادانی که مجلس را پر کرده‌اند و خاصیتی ندارند و از سکوت دانایان عصر می‌نالند. بهار بر این باور است که جامعه را عدالت و راستی نجات می‌دهد:

جاهل دانا شده است و دانا جاهل  
 شیخ مکلا شده است و میر معمم  
 مجلس کنکاش گشته ز انبّه جهال  
 چون گه انبوه حاج، چشمه‌ی زمزم

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۲)

### ۳-۳- استکبارستیزی (بعد داخلی)

استکبار در لغت به معنای خودبرتربینی و کبر و غرور است و در اصطلاح سیاسی، دلالت بر فرد، افراد، حزب و گروه‌هایی دارد که به لحاظ توان سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و حتی نژادی، خود را برتر از سایر گروه‌های جامعه می‌دانند و از این رو سعی در انقیاد و اعمال زور بر آنان دارند. نکته‌ی مهم آنکه زوال آزادی فردی و اجتماعی، محرومیت، فقر و گسترش شکاف‌های اجتماعی از مهم‌ترین و نخستین پیامدهای حضور و تشدید استکبار در یک نظام سیاسی است. استکبارستیزی نیز بالطبع اشاره به جنبش و نهضت‌های فکری و عملی دارد که تلاش خود را به رهایی از بند مستکبران می‌داند.

### ۳-۳-۱- ادیب الممالک و استکبارستیزی

ادیب در این مورد از شخص اول مملکت گرفته تا بزرگان و صاحبان قدرت، همه را زیر سلاح انتقاد و «هجو» می‌برد و روی زشت استبداد را برملا می‌کند. ادیب بعد از این که محمدعلی‌شاه، مجلس را به توپ می‌بندد، قصیده‌ای در نکوهش او درآمیخته با پند و اندرز و انداز می‌نویسد و با تندی تمام نفرینش می‌کند:

امروز که حق را پی مشروطه قیام است      بر شاه محمدعلی از عدل پیام است  
کای شه به زمینت زند این تـوسن دولت      کامروز به زیر تو روان گشته و رام است  
(ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۸)

وی در قصیده‌ای با مطلع «در خراسان میرزا صدرای نجدالسلطنه / کرده بیدادی که اندر گله، گرگ گرسنه» (همان: ۴۵۴) در نهایت از استبداد داخلی مملکت سخن می‌گوید و این ظلم و ستم را در حدی توصیف می‌کند که از ستم بیگانگان هم دردناک‌تر است. (همان: ۴۹۹)

### ۳-۳-۲- وحید دستگردی و استکبارستیزی

وحید دستگردی در آغاز مجموعه‌ی «ره آورد» بارها به انتقاد از سیاست‌ها و اقدامات وزرا و مسئولان دولتی مبادرت می‌کند. برای مثال وی در برابر حکومت استبدادی ظل‌السلطان در اصفهان این گونه واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید:

کیست گرگ گوسفندان؟ «ظلّ سلطان» دغل      موش انبار شرف، روباه گربه در بغل  
حکمرانی کز رعیت خانه‌پردازی کند      خانمان خلق ویران کرده خودسازی کند  
ترکتازی در وطن چون لشکر تازی کند      اجنبی آسا به ناموس وطن بازی کند  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۸)

وی در ترکیب‌بند «اقبال و معدل» از بیدادگری اقبال‌الدوله و معدل‌الممالک سخن می‌گوید. «اقبال‌الدوله» در ستمگری، ضحاک عصر بود و «معدل‌الممالک شیرازی»، مار روی دوش او که مردم را به نابودی می‌کشاند. اما در نهایت عدالت‌خواهان و آزادی‌خواهان مانند کاوه‌ی داستان‌های اساطیری، گرز قیام برافراشتند تا بتوانند افراد لایق برای فرمانروایی را بر سر کار آورند؛ آن گونه که در اساطیر، عدالت‌خواهان فریدون را بر سر کار آورده بودند:

با صفاهان گر کدورت چند روزی یار بود      بسته در زنجیر محنت گردن احرار بود  
در ستم «اقبال»، ضحاک و «معدل» مار بود      بود ضحاک آدمی گش، مار آدم‌خوار بود  
کاوه گرز گاوسار افراشت با فرّ و شکوه      تا به سوی شهر آرد فرّ افریدون ز کوه  
(همان: ۶۹)

### ۳-۳-۳- ملک‌الشعراى بهار و استکبارستیزی

ملک‌الشعراى بهار با شجاعت و بی‌پروایی نسبت به این مسأله شعر می‌سرود و اشعارش را در روزنامه‌ها به چاپ می‌رساند و در این زمینه بیدارگری می‌کرد. برای نمونه در ترکیب‌بند «آینه عبرت» به محمدعلی شاه اندرز می‌دهد که از «غفلت» رها شود و مملکت را دریابد، زیرا وطن طعمه‌ی چنگال تیز استعمارگران شده و جای سستی و غفلت نیست! بهار کشور را در وضعیتی می‌بیند که فقط خدا باید به داد ملت برسد:

پاسبانان تا به چند این مستی و خواب گران؟      پاسبان را نیست خواب، از خواب سر بردار، هان  
گله‌ی خود را نگر بی‌پاسبان و بی‌شبان      یک طرف گرگ دمان و یک طرف شیر ژیان  
آن ز چنگ این رباید طعمه این از چنگ آن      هر یک آلوده به خون این گله چنگ و دهان  
پاسبان مست و گله مشغول و دشمن هوشیار      کار با یزدان بود کز کف برون رفته است کار  
(همان: ۶۴)

### ۳-۴-۴- استعمارستیزی

استعمار عبارت است از به تحت سلطه گرفتن کشوری به بهانه آبادی و به قصد استفاده از منابع ثروت آن. در این راستا، استعمارستیزی اصولاً به جنبش‌هایی اطلاق می‌گردد که در قبال استعمارگران، مواضع خصمانه‌ای اتخاذ و برای رهایی جوامع از قید و بند آنان، هم در عرصه‌ی اندیشه و هم در عرصه‌ی عمل اقدام می‌نمایند. نکته‌ی مهم آنکه اصولاً دو مفهوم استکبار و استعمار ظاهراً به یک معنا و مفهوم واحد (اعمال زور، غارت، سرکوب، نافی آزادی و...) دلالت می‌نمایند، اما در واقع استکبار عمدتاً دلالت بر بعد داخلی و استعمار عمدتاً بر نیروهای خارجی و بیرونی اطلاق می‌گردد.

### ۳-۴-۱- ادیب‌الممالک و استعمارستیزی

ادیب از وزرای دولت می‌خواهد تا با ایجاد وفاق در برابر دشمن بایستند و اجازه ندهند تا دشمنان باج‌ها و امتیازهای آنچنانی از ایران بگیرند و امنیت کشور را به خطر بیندازند:

ای وزیران گـر اُتفاق کنید      ترک این حیلـه و نفاق کنید  
ملک را ایمن از بهانه خصم      وز تکالیف لایطاق کنید  
(ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۵۵۸)

وی معتقد است که باید از برخی کشورها و مناطق زیر سلطه‌ی استعمار نظیر هند و قفقاز عبرت بگیریم که چگونه گرفتار استثمار شده‌اند. باید پای بیگانگان را از ایران قطع کنیم و تا جان داریم، بر باور بیگانه‌ستیزی باقی بمانیم:

سوی قفقاز و هند دیده گشای      تا ز قفقاز و هند گیری پند  
ندهد هیچ مرد فرزانه      خانه‌ی خود به دست بیگانه  
یا بکش خصم را و برکن پوست      یا به دشمن سپار خانه‌ی دوست  
(همان: ۵۵۹)

از دیدگاه ادیب، جنگ امر ناپسندی است، مگر اینکه برای حفظ دین و وطن باشد:  
سربی مغـز، ساز جنگ کند      عاقل اندر غزا درنگ کند  
جنگ ننگ است در شریعت من      جز پی پاس دین و حفظ وطن  
(همان: ۶۰۴)

### ۳-۴-۲- وحید دستگردی و استعمارستیزی

یکی از محورهای مهم اشعار وحید، ایستادگی در برابر استبداد خارجی است در ترجیع‌بند «درویش یورشی» می‌نویسد:

از دو طرف می‌کنند، کشور جم پامال      روبه زشت از جنوب، خرس دغل از شمال...  
غرش ای نره شیر، که خرس و روبه رمد      هو حق مولا مدد، نابود کن دیو و دد  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۶)

از این رو فریاد برمی‌دارد که تا کی باید زیر ستم ماند؟! باید برخاست و دست به تیغ برد، زیرا مرگ با عزت بهتر از ننگ جاودانی است:

چند ای کاوه نژادان کیانی دوده      زیر بار ستم اجنبیان فرسوده  
تا به کی تیغ شہامت به نیام آسوده      پاک سازید ز خون تیغ به زنگ  
آلوده



مرده با نام به از زنده‌ی جاوید به ننگ (همان: ۲۲)

در ترکیب‌بند «نوریه» هم بر این است که مردم باید از فرصت‌های به‌دست‌آمده در برابر بیگانگان متجاوز همت کرده، دفع شر نمایند:

دوست بر دشمن چو شیر نر به روبه گشت چیر...  
ای مسلمانان عالم تا به کی صبر و درنگ؟  
دوست بر دشمن چو شیر نر به روبه گشت چیر...  
ای مسلمانان عالم تا به کی صبر و درنگ؟  
(همان: ۳۰)

وحید دستگردی و استبدادستیزی (ضدیت با روس و انگلیس)

در نمونه‌های زیادی در برابر روس و انگلیس جناح می‌گیرد و ویرانی مملکت ایران را از چشم این دو کشور بیگانه می‌بیند:

تا زمین است و زمان با شوکت ایران زنده باد  
مردم با آدا انگلیس و روس  
لشکر ژاندارم با ایران به دوران زنده باد  
اهرم ناپود و آصف با سلیمان زنده باد  
(همان: ۴۰)

۳-۴-۳- ملک‌الشعرا و استعمارستیزی

بهار هم همچون بسیاری از شعرا و وطن‌دوستان حقیقی عصر خود می‌داند که از انگلیس و روسیه، خیری به ایران نمی‌رسد. این استعمارگران فقط به فکر منافع خودشان هستند و اگر هم با خودشان اختلافاتی بر سر مسائل داشته باشند، برای به دست آوردن منافع مشترک در کشورهای تحت نفوذ یا کشورهای رو به ضعف، با هم به صلح می‌نشینند و متحد می‌شوند:

خرس صحرا شده همدست نهنگ دریا  
رقبا را به هم امروز سر صلح و صفاست  
کشتی ما را رانده است به گرداب بلا...  
آری این صلح و صفایشان ز پی ذلت ماست  
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

بهار در سال ۱۲۹۰ خورشیدی، زمانی که دولت روس تزاری به ایران اولتیماتوم می‌دهد، خطاب به ایرانیان، مسمط «ایران مال شماست» را می‌سراید و در آن، ایرانیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و فریاد می‌زند که ایران در بلا قرار گرفته است. غیرتتان کجاست؟ چرا سهل‌انگاری؟! ایران متعلق به ایرانیان است و هیچ کشوری نباید جرأت کند برای به چنگ آوردن این مملکت، دندان طمع تیز کند:

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست      مملکت داریوش، دستخوش نیکلاست  
 مرکز ملک کیان، در دهن ازدهاست      غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست؟  
 برادران رشید! این همه سستی چراست؟      ایران مال شماست، ایران مال شماست...

(همان: ۲۰۸-۲۰۹)

شعر «یک صفحه از تاریخ» هم مربوط به همین موضوع است. همچنین بهار، انگلستان را مایه‌ی اختلاف، مانع رشد شرق، طمع کار، مگار، پیمان‌شکن، مسبب جنگ‌ها، غارتگر، فتنه‌انگیز و عامل ترور بزرگان و نخبگانی چون امیرکبیر می‌دانت. (همان: ۵۵۴-۵۵۶)

۳-۵- آزادی

تاکنون بیش از دویست تعریف از مفهوم آزادی در میان اندیشمندان مکاتب مختلف علوم انسانی صورت گرفته است، اما در یک تعریف کلی می‌توان آزادی را معادل فقدان اعمال قید و بند برای انسان و زندگی اجتماعی او دانست. از این رو آزادی انسان در اندیشه‌های سیاسی قرون متمادی، یکی از اصلی‌ترین و نخستین‌ترین مبانی سیاسی تاریخ بشر قلمداد شده است.

۳-۵-۱- ادیب‌الممالک و ستایش آزادی و آزادی خواهان

- استفاده از نمادهای اساطیری و تاریخی: ادیب‌الممالک در قصیده «اولتیماتوم» با بهره‌گیری از

نمادهای اساطیری و تاریخی به تمجید از آزادی خواهی می‌پردازد:

کجاست کاوه که بار دگر درفش به دست      به شهر فرّ فریدونی آورد ز جبال  
 کجاست نادر دور کنون که بر در او      چنین وحید گشاید زبان عجز و سؤال  
 که ای پناه عجم آگهی ز کشور جم      وز آنچه رفت به کشور ز حال و استقبال  
 ز جای خیز که در پیش پای بنشینند      جماعتی که ندانند نقص را ز کمال

(ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۲۷)

- مدح گروه‌ها و قومیت‌های مبارز: ادیب در مسمط «چکامه‌ی نادری» به ستایش مجاهدین اصفهان و

سپاه بختیاری می‌پردازد. زمانی که برای میدان جنگ حرکت می‌کردند:

ای نیاکان شما شیراوژنان روزگار      مرز جم زان شیرمردان هنرور پایدار  
گشت زین کشور درفش کاویانی آشکار      کوفت از ضحاک، سر با گاوسر کاوه چو مار  
گشت افریدون فرخ بر جهان مالک رقاب... (همان: ۳۲)

ادیب در قصیده‌ای با مطلع «چو در خواب شد دیده‌ی پاسبان‌ها/ نوای درای آمد از کاروان‌ها» به ستایش امیر نظام گروسی و توصیف شجاعت و شهامت او می‌پردازد و می‌گوید:

نجستم نظیرت به چندین ممالک      ندیدم قرینت به چندین قران‌ها  
نه میری بُود چون تو در سطح گیتی      نه ماهی دمد چون تو بر آسمان‌ها...  
(ادیب‌المملک، ۱۳۴۵: ۵-۱۰)

### ۳-۵-۲- وحید دستگردی و ستایش آزادی و آزادی‌خواهان

وحید دستگردی با هدف ارج نهادن به نیروهای انقلاب، برانگیختن آزادی‌خواهان در به دست آوردن سرنوشت مملکت، رسوا کردن غارتگران سرمایه‌ی ملی و اربابان زر و زور و دشمنان استقلال ایران به مدح آزادی‌خواهی و آزادی‌خواهان می‌پردازد. وی در همین راستا «چکامه‌ی بختیاری» را می‌سراید و در آن به تمجید و ستایش ضرغام‌السلطنه که پیشاهنگ پیروزی بزرگ آزادی‌خواهان و غلبه بر استبداد در شهر اصفهان بود می‌پردازد:

حامی عدل مظفر داور فتح و ظفر      ماحی یی‌داد، عادل‌پرورِ ظالم‌شکار  
کنز قدرت، مجمع تدبیر، برهان خرد      آفتاب فیض، دریای هنر، کوه وقار  
زنده شد مشروطه ای میر کبیر از فر تو      سوخت استبداد را تیغ تو خرمن برق‌وار  
(همان: ۶۱)

وی در ادامه هنگامی که محمدعلی میرزا مجلس شورای ملی را به توپ بست، شعر «مرثیت» را به نام شهدای آزادی سرود:

یوسف به درهمی چند، بفروختند خرسند      داد از شکم پرستان، آه از علوفه‌خواران  
خون غم سیاوش در طشت می‌زند جوش      کیخسروا بیارای، صف‌های کامگاران  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۸۸-۹۰)

### ۳-۵-۳- ملک‌الشعراى بهار و ستایش آزادی و آزادی‌خواهان

بهار هم احساس می‌کند که ذهن دیکتاتوری، زبان آزادی را در نمی‌یابد و از این رو می‌گوید که با پادشاه مستبدی چون محمدعلی‌شاه قاجار، از آزادی سخن گفتن، خطایی بیش نیست. از این رو می‌گوید فقط خدا باید به داد دل این مردم برسد:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست / کار ایران با خداست

مذهب شاهنشاهی ایران ز مذهب‌ها جداست / کار ایران با خداست (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

همچنین بهار از شخصیت‌های آزادی‌خواه و آزادی‌اندیش و قانون‌مدار و کسانی که موجب ترقی کشور و حرکت ایران به سمت مدنیت می‌شدند نیز یاد می‌کند و آن‌ها را می‌ستاید:

خواجه بوالقاسم به کار روس و ایران دست داشت در منظم کردن ایران بسی همت گماشت

میرزا آقاسی اندر فتح اقلیم هرات جنب و جوشی کرد لیکن پیش آمد مشکلات

(همان: ۸۸)

ملک الشعرا در نهایت در ابیات زیر از مسمط «تهنیت فتح تهران» از ستارخان یاد می‌کند و او را به سبب

رشادت‌ها و دلاوری‌هایش در شکست استبداد می‌ستاید و همت بلندش را ارج می‌نهد:

حضرت ستارخان، سپهبد نامدار امیر نصرت‌پژوه؛ هژبر دشمن‌شکار

پیل دمان روز رزم؛ شیر ژیان وقت‌کار تیغش مغفرشکاف؛ تیرش خفتان‌گذار

آنکه به یک دار و گیر، آنکه ز یک گیر و دار کرد زخون عدو، دشت و دمن لاله‌گون

(همان: ۱۵۰)

### ۳-۶- عدالت

عدالت در لغت معادل نظم و ادب است. در ادبیات پارسی، «داد» معادل عدل و «دادمندی» یا «دادگری»

معادل عدالت است. «دادگر» نیز معادل عادل می‌باشد. بنابراین عدالت یعنی طراحتی و اجرای نظام حقوقی

به گونه‌ای که هر کس به حق عقلانی‌اش برسد و در مقابل آن حقوق، وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و

عواقب تخلف از آن را بپذیرد. با این حال در تعریف عدالت همچون آزادی، تعریف واحدی وجودی

ندارد.

### ۳-۶-۱- ادیب‌الممالک و مفهوم عدالت

ادیب در انتقاد از اوضاع و اشخاص عدلیه‌ی وقت، داد و شکوه سر می‌دهد. از محیطی که پر از آدم‌های بی‌دین کژمنش است؛ جایی که خیر و شر درهم آمیخته است. کار اصلی این قوم، غارت اموال و ریختن خون بی‌گناهان است:

قضا و ساحت عدلیه یا رب از چپ و راست	تهی ز مردم دیندار و دین پرست چ راست؟
بنای کژ نشود راست گفته‌اند ولیک	به دست کژمنشان این بنای کژ شده راست
بین در اینجا هم امتزاج خیر و شر است	ز لطف قانون هم اختلاط صیف و شتاست
شعارشان همه بی‌دینی است و بی‌شرفی	وظیفه غارت اموال خلق و سفک دماست

(ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۸۹)

ادیب در ادامه و با طنز و طعنه‌ای تند و صریح و بی‌پروا به نقد صریح مجریان عدالت می‌پردازد: الف) مگذر از کنار عدلیه / که خراب است کار عدلیه: در این شعر می‌گوید همه گرفتار عدلیه هستند. اینجا عدالت در کار نیست؛ هر چیز هست، پارتی‌بازی است. در اینجا دین، کاره‌ای نیست. افراد با کفایت را در این محیط نمی‌بینی. افراد پست و دنی در این مکان راه یافته‌اند و مقام دارند. (همان: ۴۶۶-۴۶۷)

ب) فریاد از این مشاوره‌ی عالی / کز جاهلان پر از عقلا خالی. در این شعر به نکوهش «شورای عالی عدلیه» وقت می‌پردازد و آن را پر از نادان و خالی از خردمند می‌داند؛ جایی که ظلم و جور و جهل و حماقت در آن حکم فرماست:

شهریست ظلم و جور در آن قاضی	ملکیست جهل و حلق در آن والی
موسی گرفته مسند فرعون	عیسی گزیده منصب دجالی...
بازار دین فروشی و خودکامی است	دگان غیب‌گویی و رمالی
گرگان دویده‌اند در این گله	خوکان فتاده‌اند در این شالی

(همان: ۴۸۹)

بنابراین از نظر ادیب، کسی را باید برای عدالت انتخاب کرد که بهترین مردم باشد؛ شایستگی، فضل و دانش او بر همه بیشتر باشد؛ مسلط بر نفس باشد؛ دچار تأثیر خصومت‌های شخصی در قضاوت نگردد؛ محبت نتواند باعث اخلال در قضاوتش گردد و پرهیزگاری و بردباری داشته باشد:

کسی بر حکم بین الناس بگزین      که گویندت نیابی خوب تر زین  
 سزای مسند است آن پاک طینت      که باشد فضلش افزون از رعیت  
 دم خصمش نسازد تار و تیره      به لغزش دل نیازد خوار و خیره  
 چو خصمان در برش سازند حجّت      شود تاریک از هر سو محبّت  
 قرین عصمت و پرهیزگاری      شریک حلم و جفت بردباری  
 (همان: ۶۴۶-۶۴۷)

### ۳-۶-۲- وحید دستگردی و مفهوم عدالت

وحید دستگردی، تحقّق عدالت را در نفی اشرافی‌گری و اعیانی‌مآبی می‌داند. به عقیده‌ی وحید، اشرافی‌گری و اعیانی‌گری مایه‌ی بی‌عدالتی و فشار بر طبقات محروم می‌شود و موجب می‌گردد که افراد زیادی با مشقّت و سختی زندگی‌شان را سپری کنند تا در قبال آن، عده‌ای معدود و خاص در رفاه مطلق به سر ببرند! وحید در ابیات زیر به این نکته اشاره می‌کند:

بلای مملکت اعیان و اشراف‌اند پنهانی      عیان گردید این معنی چو روز امتحان آمد...  
 هزاران خانه ویران گشت از بنیاد و یک خانه      به سیم دیگران با کاخ زرّین توأمان آمد  
 هزاران رنجبر تا جان نداد از سختی و زحمت      کجا یک گنج‌بر با دولت قارون قران آمد  
 (دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۵-۵۶)

باید برای برقراری عدالت تلاش کرد. وحید از آزادی‌خواهان می‌خواهد مثل او در راه وطن جان‌فشانی

کنند تا ایران از دست ضحاک ظلم رها شود و مردم به حکومتی عادلانه برسند:

چون وحید دستگردی دستیار اصفهان      ترک جان و سر بگویند ای نژاد کاویان  
 تا رهد از دست ضحاک ستم مرز کیان      فرّافریدون به شهر از کوه آید ناگهان

(همان: ۷۱)

### ۳-۶-۳- ملک الشعرا‌ی بهار و مفهوم عدالت

بهار در قصیده‌ی «کار ایران با خداست» معتقد است که آنچه کشتی مملکت را در بحر حوادث و از خس و خاشاک استبداد می‌رهاند، «عدالت» است؛ درحالی‌که در ایران فرمانروای مملکت، خون جمعی بی‌گناه را تباه می‌کند! بهار امید به بهبودی اوضاع ندارد و از نظر او تنها خداست که باید به داد این ملت برسد:

هر دم از دریای استبداد آید بر فراز  
زین تلاطم کشتی ملت به گرداب بلاست  
مملکت، کشتی حوادث، بحر و استبداد، خس  
کار پاس کشتی و کشتی‌نشین با ناخداست  
موج‌های جان‌گداز  
کار ایران با خداست  
ناخدا عدل است و بس  
کار ایران با خداست  
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

بهار در نمونه‌های شعری فراوان دیگر هم در لابه‌لای ابیات، توصیه به عدالت و پرهیز از ستم می‌کند.  
وی خطاب به مظفرالدین شاه:

دشت و دیار از ز ظلم و جور تهی گشت  
ملک بماند همیشه خرم و آباد  
ملک یکی خانه‌ای است بنیادش عدل  
خانه نیاید اگر نباشد بنیاد  
(همان: ۳۸)

بهار در ترکیب‌بند «آینه‌ی عبرت» نیز می‌گوید که عدالت موجب آبادی و شادابی است:

چون قلمدان یافت، عدل و داد و احسان می‌کند  
الغرض عدل شه و تدبیر آن دستور داد  
عدل آری ملک را چون باغ رضوان می‌کند  
ملک را کردند خرم، خلق را کردند شاد  
(همان: ۷۹)

بهار می‌گوید که «عدل» و «داد گستری» موجب خرسندی مردم، رونق و خرمی مملکت و در نهایت مایه‌ی دوام حکومت می‌گردد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

جنبش مشروطه، تحولات وسیعی را در حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد، مسائل اجتماعی و حتی ارتباط با خارج برای ایرانیان ایجاد نمود. در این عصر، شعرا هم‌پای گروه‌های مردمی به مسائل سیاسی حاکم بر کشور با نگاه خاصی می‌نگریستند. آن‌ها شعر را صرف دفاع از حقوق مردم کرده‌اند، حتی عدّه‌ای در این راه حبس، تبعید و مرگ را چشیده‌اند. این مسؤولیت اجتماعی موجب تغییر مخاطب از خاص (دربار، شاعران دیگر، دانایان و...) به سمت مردم می‌شود و آن‌ها می‌کوشند تا برای ایجاد ارتباط با همه‌ی مردم، زبان و بیانی ساده و مردمی انتخاب کنند و برای ایجاد شور و هیجان و تشویق مردم به دخالت در امور سیاست جهت دفاع از مام وطن و فرهنگ و باورها و اعتقادات ملی و مذهبی، از قالب‌هایی استفاده کنند که موسیقی شورانگیزی داشته باشد. مخاطب عمده‌ی سه شاعر مورد پژوهش -

ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار - مردم ایران، امت اسلامی، حاکمان و صاحبان قدرت داخلی، آزادی خواهان و مشروطه طلبان، بیگانگان مهاجم و بیدادگر هستند. اگر بخواهیم معشوقی در شعر این سه بیاییم، فقط وطن است. زبان آن‌ها، ساده و روان و به گونه‌ای است که بتوانند به راحتی معانی و مفاهیم سیاسی و اجتماعی را به مخاطبان - که اغلب مردم هستند - برسانند. زبان ادیب در مواردی نسبت به وحید و بهار از سادگی فاصله می‌گیرد، چون از نظر تاریخی به سبک بازگشت نزدیک‌تر است؛ اما وحید و بهار - به خاطر نزدیک شدن به دوره‌ی معاصر - زبان ساده‌تری دارند. در قالب‌ها هم علاوه بر قالب‌های مطرح عصر مشروطه یعنی مسمط و مستزاد از ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، قصیده، مثنوی، قطعه و به ندرت غزل بهره می‌برند. هر چند این سه شاعر در طول عمر خود با حرکت مشروطه دچار تغییراتی در عقاید خود می‌شده‌اند، هر سه در باور به وطن خواهی، آزادی در برابر استبداد، عدالت خواهی، مشروطه خواهی و شکل‌گیری مجلس و تصویب قانون و در نهایت تجدّد و ترقی مشترک بودند. در موضوعات، هر سه شاعر تقریباً درباره‌ی هفت موضوع وطن، وحدت و اتحاد، مشروطیت و مجلس، استبداد خارجی و داخلی، آزادی، عدالت و تجدّد سخن گفته‌اند، اما نوع نگاه و دیدگاه آن‌ها صد درصد یکسان نیست که در ادامه بدان می‌پردازیم:

- **وطن:** مسأله‌ی «کوتاهی در حق وطن» در اندیشه بهار بر ادیب و وحید برتری و تشخیص ویژه‌ای دارد. بهار معتقد است که مردم به ویژه دانایان و آگاهان در حق وطن، کوتاهی کرده‌اند. شعر «امان از من و تو»، «داد از دست عوام»، «داد از دست خواص»، «از ماست که بر ماست» و «شعر دماوندیه» مبین این امر است.

- **مشروطیت:** دیدگاه ادیب نسبت به دو جریان سیاسی «مشروطه خواه» و «ارتجاع» نسبت به آن دو متفاوت است. او هر چند مرتجعان را مستبد می‌داند، بر این باور است که آن‌ها می‌توانند در کنار مشروطه خواهان به یکدلی و وحدت برسند.

- **استبداد:** ادیب در مسأله‌ی آلمان دوستی، شعری ندارد، چون این مسأله به جنگ جهانی می‌رسد، یعنی یک سال بعد از فوت ادیب‌الممالک. با این حال نگاه ادیب به جنگ، بسیار سطحی است. او معتقد است که چنین بلایی به سبب خطاها و گناهان مردم است. در استبداد داخلی، زبان ادیب گاه بسیار هجوآمیز است. وحید بیش از آن دو بر روحانی‌نمایان می‌تازد. این مسأله در شعرهایی چون «نارنچک»، «اقبال و معدل» و «بشارت» وحید بازتاب داشته است.



- **آزادی:** در باب ستایش آزادی‌خواهان و اشخاص آزادی‌خواه، بهار نسبت به ادیب و وحید، زبان و بیان ستایشی کم‌رنگ‌تری دارد و نسبت به آن‌ها، کمتر به اشخاص و ستایش آن‌ها می‌پردازد.
- **عدالت:** زبان و بیان ادیب در انتقاد از عدلیه و اجرای عدالت در جامعه، بسیار گزنده‌تر از بهار و وحید است. او خود بارها در بازستانی حق خود ناموفق مانده بود و از این‌رو این مسأله را بهتر درک می‌کرد. سلاح هجو ادیب با تندی، عدلیه را نشانه می‌گیرد.

### منابع و مآخذ:

- آژند، یعقوب (۱۳۶۳)، **ویژگی‌های نوزایی ادبی در دوران مشروطه، زبان و ادبیات فارسی**، تهران: ادبیات نوین ایران.
- افشاری، کیانوش و دیگران (۱۳۹۸)، «ادب سیاسی مشروطه و مسأله‌ی هویت ملی»، **فصل‌نامه‌ی تاریخ ایران اسلامی**، س ۷، ش ۲: ۷۹-۵۵.
- جعفری، مریم و دیگران (۱۴۰۰)، «مفهوم‌سازی مشروطه در شعر دو شاعر دوره‌ی مشروطه (بررسی بافت نحوی و گفتمان عارف قزوینی و میرزاده عشقی)»، **فصل‌نامه‌ی شعرپژوهی** (بوستان ادب)، دوره ۱۳، ش ۴: ۲۲-۱.
- رادنیا، مهدی (۱۳۹۲)، **تأثیر انقلاب مشروطه بر اشعار نسیم شمال و ملک‌الشعراى بهار**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۹۷)، «رویکرد اعتراضی سیاسی فرخی یزدی و تفکرات انتقادی استبدادستیزانه‌ی او در عصر مشروطه»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، ش ۲۹: ۱۹۷-۲۲۰.
- زائری، قاسم (۱۳۹۵)، «بررسی چگونگی تحوّل جایگاه «مردم» در گفتمان مسلط منور الفکران ایرانی از «دولت مشروطه» تا حکومت رضاخان»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی**، ش ۴۹: ۳۷۵-۴۰۴.
- رضایی بوگی، الهیار و دیگران (۱۳۹۹)، «بررسی و تبیین مفاهیم وطنیات در شعر شاعران مهاجر، قبل و بعد از مشروطه»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات ادبیات تطبیقی**، ش ۵۶: ۱۸۹-۲۱۳.

- شفیع‌ی قهفرخی، امید و دیگران (۱۳۹۱)، «درون‌مایه‌های سیاسی آثار ادیب‌الممالک فراهانی»،  
**فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، ش ۳: ۹۷-۱۱۴.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، **تحولات ادبیات فارسی از انقلاب مشروطه تا انقلاب بهمن**، تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- فولادی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۸)، «نقش شاعران مسمط‌پرداز مشروطه در پدید آمدن شعر نیمایی»،  
**فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های ادبی**، ش ۶۴: ۸۹-۱۱۱.
- محسنی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳)، «تحلیل تطبیقی آیات و احادیث در شعر مشروطه (ملک‌الشعرا بهار، نسیم شمال و میرزاده عشقی)»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات**، ش ۲: ۷۹-۱۰۲.
- محقق، عبدالرضا و حبیب‌الله عباسی (۱۴۰۰)، «زوال خیال در مصاف مقال حقوقی؛ جستاری در فرآیند رابطه‌ی صورت و محتوا در شعر مشروطیت»، **فصل‌نامه‌ی زبان و ادبیات فارسی**، س ۲۹، ش ۹۰: ۱۴۷-۱۷۲.
- ..... (۱۳۹۹)، «حاشیه‌نشینی خیال و جانشینی موضوع به جای مضمون؛ بررسی تأثیر محتوای حقوقی بر ساخت و صورت شعر مشروطه»، **فصل‌نامه‌ی ادبیات پارسی معاصر**، س ۱۰، ش ۱: ۲۹۹-۳۲۴.
- موسی‌آبادی، رضا و بتول فخر اسلام (۱۳۹۸)، «بازتاب هویت ملی و مؤلفه‌های آن در شعر شاعران برجسته‌ی عصر مشروطه»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی**، ش ۷۷: ۳۹-۵۸.
- میرعلی حسن‌زاده، عبدالله و دیگران (۱۳۹۴)، «تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار ایرج میرزا و فرخی یزدی»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، ش ۳۴: ۴۵-۶۸.
- وفایی، عباسعلی و ناصر عارف (۱۳۹۷)، «تأثیر ایدئولوژی در نگاه به وطن در شعر مشروطه و انقلاب اسلامی»، **فصل‌نامه‌ی ادبیات پایداری**، ش ۱۹: ۳۵۶-۳۷۷.

## A Study of the Poetic Discourses of the Poets of the Constitutional Era with an Emphasis on Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, and Malek osh-Sho'arā Bahar

Yaghoub Pazandeh Miari<sup>1</sup>

Masoud Mahdian<sup>2</sup> 

Maliheh Mahdavi<sup>3</sup> 

DOI: 10.22080/RJLS.2022.23805.1325

### Abstract

In the midst of the Constitutional Revolution, the promotion of ideas such as freedom, oppression, respect for the rights of the people, accountability of officials, and the establishment of parliament was considered to be one of the most important demands of various sections of society. In the meantime, the poets of the constitutional era, with their political literature, became one of the most important sources of people's excitement, awakening, and oppression. In this article, the authors have tried to study and analyze the poems of Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, and Malek osh-Sho'arā Bahār by using a descriptive-analytical method. The hypothesis that the authors have examined in their poetry emphasizes that first, the most important political component of Vahid's poetry is patriotism. Second, the most important political component of Bahar's poetry is criticism of the general state of society, and finally, the most important political components of Adīb 's poetry are pieces of advice to rulers accompanied by criticism. Findings of the article show that political thoughts of these three poets revolve around the seven axes of homeland, unity, constitutionalism and parliament, anti-authoritarianism, denial of colonialism, freedom, and justice.

**Keywords:** Constitutional Poetry, Poetic Discourse, Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, Malek osh-Sho'arā

### Extended Abstract

### Introduction

---

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate in Political Science, Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch, Aliabad Katoul, Iran.

<sup>2</sup> Corresponding author: Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch, Aliabad Katoul, Iran. Email: mahdian.masood@gmail.com.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch, Aliabad Katoul, Iran.

In general, in the midst of and after the Constitutional Revolution, components such as patriotism, criticism of tyrannical rulers and the unsettled state of society, defending the rights of the people and expressing their pains and aspirations, xenophobia and the struggle against colonialists and intruders, promoting the idea of freedom and freedom-seeking, etc., came to life abundantly in the poetry of poets who wrote in simple and popular language to inform and awaken people. Some of them went beyond this and experienced the prison bottleneck on the way to freedom. With this brief introduction, the present article is an inquiry into the political ideas of Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, and Malek osh-Sho'arā Bahār. Therefore, the main question of the present article is: "How was the poetic discourse of the poets of the constitutional era among the three poets Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi and Malek osh-Sho'arā Bahār regarding political issues and social conditions expressed in their poems?" The hypothesis that the authors have examined in their poetry emphasizes that first, the most important political component of Vahid's poetry is patriotism. Second; the most important component of the poetic discourse of Bahar's poetry is the criticism of the general condition of society, and finally, the most important component of the poetic discourse of Adīb's poetry advising the rulers as well as criticizing them.

### **Research Methodology**

This article follows a descriptive analytic method to examine the poetry of Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, Malek osh-Sho'arā.

### **Research Findings**

Differences in the views of the three poets on the subjects of the poetry of the constitutional era:

Vatan: Issue of "shortcomings in the right of the homeland" has a special superiority for Bahar, compared to Adīb and Vahid. Bahar believes that people, especially wise and knowledgeable people, have neglected the right of the homeland. The poems "داد از دست خواص", "داد از دست عوام", "امان از من و تو" and "از ماست که برماست" are indicative of this approach in Bahar.

Unity: Bahar has studied the issue more professionally and believes that the unity of people depends on maintaining the following: national resources, independence, unity, and religion. Bahar warns that of these, "religion" is the most important, and if it is lost, all three will perish.

**Constitutionalism:** Adīb's views on the two political approaches, "constitutionalist" and "reactionary", are different. Although he considers the reactionaries to be authoritarian, he still believes that they can unite with the constitutionalists.

**Authoritarianism:** Adīb does not have a poem on the issue of friendship with Germany, because this issue dates back to the World War which was a year after the death of Adīb-al-Mamālek. However, Adīb's view of war is very superficial. In domestic tyranny, the literary language is sometimes very satirical. Vahid attacks pretentious religious leaders more than the other two. This issue has been reflected in poems such as "Narenchak", "Iqbal and Ghadr" and "Besharat" by Vahid.

**Freedom:** In terms of praising libertarians, Bahar has less praise for them than Adīb and Vahid, and pays less attention to people.

**Justice:** Adīb's language and expression in criticizing justice and administering justice in society is much more biting than Bahar's and Vahid's. Adīb's satirical weapon sharply targets the judiciary.

### **Conclusion**

In no historical period, such as the Constitution, have poets addressed so many political and social issues. They have devoted poetry to defending the rights of the people, and some have even experienced imprisonment, exile, and death on this path. This social responsibility changes their audience from the specific (court, other poets, sages, etc.) to the people. They try to choose a simple and popular language and expression to communicate with all people, and to create enthusiasm. In order to excite and encourage people to get involved in politics to defend the homeland and culture and national and religious beliefs, they use forms that have exciting music like the preferred string, the combination of strap and straight, which are effective due to their repetition, shortness and rhythm. They have both serious and humorous poetry in their expression. "The tone of the words in some cases, such as some of the poems of Adīb and Vahid, equals the satire and stubbornness of the words." This is the flow of constitutional poetry, in which history changes the audience, the subject and the forms of poetry, and literature takes on new approaches with the growth of the industrial world compared to the previous styles. The main audience of the three studied poets – Adīb-al-Mamālek Farahani, Vahid Dastgerdi, Malek osh-Sho'arā are the people of Iran, the Islamic nation, the rulers and holders of internal power, the

libertarians and constitutionalists, and the aggressive and tyrannical foreigners. If we want to find a lover in the poetry of these three, it is only the homeland. Their language is simple and fluent in such a way that they can easily convey political and social meanings and concepts to an audience that is often people. "In some cases, Adīb's language distances itself from simplicity compared to Vahid's and Bahar's because it is historically closer to the style of return, but Vahid and Bahar have a simpler language due to their approach to the contemporary period." That is, Musmat and Mostazad use the preferred verse, composition verse, ode, Masnavi, piece and rarely sonnet. Although these three poets have changed their beliefs during their lifetime with the constitutional movement, all three poets believe in patriotism, maintaining unity against internal and external enemies, freedom against tyranny, justice, constitutionalism and form. They had a joint parliament and the passage of a law, and finally modernization and progress. In their poetry, all three poets have spoken about seven topics: homeland, unity and unity, constitutionalism and parliament, foreign and domestic tyranny, freedom, justice and modernity.

### **Funding**

There is no Funding.

### **Authors' Contribution**

Pazandeh Collected the data, Dr Mahdian analyzed the data, and Dr. Mahdavi summarized and compared the literary works of the three poets.

### **Conflict of Interest**

There is no conflict of interest.

### **Acknowledgments**

Thanks to the professors of the Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch.

### **References**

- Afshari, K., Ameri Golestani, H., Yousefi, B., Jalalpoor, S. (2019). Constitutional political literature and the issue of national identity. , 7(2), 55-79 (In Persian)
- Arinpour, Y. (2008). From Saba to Nima. 2Ed, Tehran: Agah Publications. (In Persian)
- Arkan, B., Khairkhah, S. (2017). Freedom in Constitutional Poetry. Persian Literature, 13(38), 1-18. (In Persian)

- Fouladi, A., Radfar, A. (2019). The role of poets of multiple poems of constitutional era in the emergence of new poetry (she'r-e nimaai). LIRE. 2019; 16 (64), 89-111. (In Persian)
- Jafari, M., Fazeli, M., Faghih Malek Marzban, N. (2022). Conceptualization of "constitutional" in the poetry of two poets of the constitutional period (A study of the syntax and discourse of Aref Qazvini and Mirzadeh Eshghi). Journal of Poetry Studies (boostan Adab), 14(1), 73-100. (In Persian)
- Mahmoudi, A. (2017). Evolution of "Structure" and "Form" of Ghazal from Constitution Era to Post-Islamic Revolution of Iran. Literary Arts, 9(3), 111-128. (In Persian)
- Mahmoudizadeh, M., Hosseinzadeh, Z. (2017). The Book of sustainability literature in constitutional poetry based on poetry. Tehran: Minofar Publications. (In Persian)
- MirAli Hassanzadeh, A., Khatami, A., Nasiri Saloush, Zo. (2015). The Effect of social class on the poetry of the poets of the constitutional period focusing on the poems of "Iraj Mirza" and "Farrokhi Yazdi". Persian Language and Literature Research, 11(34), 45-68. (In Persian)
- Mohaghegh, A., Abbasi, H. (2020). Investigating the effect of legal content on the structure and form of constitutional poetry. Contemporary Persian Literature, 10(1), 299-324. (In Persian)
- Mohseni, M., Rohani, M., Hassanpour, E. (2014). The Analysis of Koranic Verses and Ahadith (quotations) in the Poetry of Constitutionism (Malek- o-shoara Bahar, Nasim Shomal and Mirzadeh Eshghi), 1 (2), 79-101(In Persian)
- Moosabadi, R., Fakhreslam, B. (2019). Reflection of the National Identity and its Components in the Poems of Prominent poets in the Constitutional Revolution. National Studies Journal, 20(77), 39-58. (In Persian)
- Rezaei Bogi, E., Famouri, M., Khaleqzadeh, M. (2020). Study and explanation of the concepts of Wataniat in the poetry of immigrant poets, before and after the constitution. Comparative Literature Studies, 14(56), 189-214. (In Persian)
- Shafiai Ghahfarokhi, O., Fatemi, S., Rahmani, J. (2012). Political contents of Adib-al-Mamalik Farahani's works. Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, 2(2), 96-114. (In Persian)
- Soleimani, A., Mehravaran, M. (2020). Rhetorical Criticism of the Constitutional Poetry with Emphasis on the Poems of Mirzadeh Eshqi and

- Abulqasim Lahouti. Rhetoric and Grammar Studies, 9(16), 167-205. (In Persian)
- Vafaie, A., Aref, N. (2019). The Effect of Ideology on the View of Homeland in the Poetry of Constitutional Era and Islamic Revolution. Journal of Resistance Literature, 10(19), 355-376. (In Persian)
- Zabihnia, A. (2018). Farrokhi Yazdi's political protest approach and his colonial critical thinking in the constitutional era. Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, 4(8), 197-220. (In Persian)
- Zaeri, G. (2017). How did the notion of "Mardom" (the people) evolve in the predominant discourse of the Iranian intellectuals? A study from the constitutional state to Rezakhan government. Sociological Review, 23(2), 375-404. (In Persian)
- Zolfaghari, M., Mirhashemi, T. (2012). Selecting the audience within the text of constitutional poetry based on socio-political attitudes. Persian Language and Literature Research, 6(24), 55-74. (In Persian)